

سیر تطور زبان گونه بلوچی مرزی رایج در منطقه ریگان کرمان در قیاس با بلوچی مرزی

عالیه نخعی پور تدرج^{۱*}، سیف‌الله ملایی پاشایی^۲، حامد مولایی کوهبنانی^۳

۱. دکتری زبان‌شناسی، مدرس مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زرنند، زرنند، ایران.
۲. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.
۳. استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه ولی عصر (عج)، رفسنجان، ایران.

چکیده

گونه بلوچی ریگان گونه‌ای است که توسط برخی از گویشوران ساکن منطقه ریگان کرمان تکلم می‌شود. این گونه که نخستین بار توسط اقوام مهاجر از سیستان وارد ریگان شده است در اثر همجواری منطقه با شهرستان رودبار جنوب و هم‌زیستی مهاجرین با بومیان فارسی‌زبان منطقه سبب شد تا گونه متفاوتی از زبان بلوچی در شهرستان ریگان رواج پیدا کند. این تفاوت‌ها در سطح آوایی، واژگانی و نحوی مشاهده می‌شود. پژوهش حاضر می‌کوشد بر مبنای داده‌های معتبر و روشی علمی و نظام‌مند به تحلیل و واکاوی متغیرهای زبان‌شناختی موجود در این گونه زبانی بپردازد تا از این رهگذر سیر تحول این گونه زبانی را شناسایی کند. به منظور گردآوری داده‌های زبانی، از گویشوران زن و مرد با میانگین سنی ۶۰ سال و متوسط سواد در حد آموزش ابتدایی که در گستره مکانی پژوهش یعنی شهرستان ریگان زندگی می‌کردند، مصاحبه به عمل آمد. جهت جمع‌آوری داده‌ها از پرسش‌نامه‌ای حاوی ۲۰۸ واژه و ۱۰ جمله پایه بر اساس پرسشنامه‌های «طرح ملی اطلس زبانی ایران» و «فهرست واژگان پایه مورس سوادش» بهره گرفته شد. نتایج حاصل از تحلیل و بررسی پیکره داده‌های پژوهش نشان داد که زبان گونه بلوچی رایج در شهرستان ریگان دارای ویژگی‌هایی از جمله کاربرد واژه‌های خاص زبان بلوچی، آواهای مرکب، خوشه همخوانی /ON-/ ایرانی باستان، کاربرد وندهای ویژه شامل پیشوند جمع‌ساز، پسوندهای اسم‌ساز و صفت‌ساز، فرآیند غیردهانی‌شدگی و استفاده از ساخت ارکتیو است.

واژه‌های کلیدی:

گونه بلوچی ریگان
آواهای مرکب
خوشه همخوانی
فرآیندهای واجی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

پذیرش: ۱۰ اسفندماه ۱۴۰۱

* آدرس ایمیل نویسنده مسئول: nakheipur@gmail.com

۱. مقدمه

زبان بلوچی یکی از زبان‌های ایرانی شمال غربی است که در استان سیستان و بلوچستان، بخش‌هایی از استان‌های خراسان، گلستان، هرمزگان، کرمان در ایران و در ایالات بلوچستان پاکستان و بخش‌هایی از سند، پنجاب و

کراچی گویشورانی دارد (دبیرمقدم، ۱۳۹۲: ۲۲۰). الفنیاین^۱ (۱۹۸۹: ۳۵۹) که تلاش‌هایش در طبقه‌بندی زبان بلوچی جسته است، در ابتدا زبان بلوچی را به دو گروه عمده شرقی و غربی تقسیم کرده است و پس از آن گویش غربی را به شش زیرگروه رخشانی، سراوانی، کچی، لاشاری، گویش‌های فرعی تر سواحل دریای عمان در ایران و پاکستان بخش کرد.

از منظر زبان‌شناسی تاریخی می‌توان تشابهاتی میان این زبان و زبان اوستایی و پارتی یافت، اما عناصری از زبان فارسی باستان و فارسی میانه نیز در این زبان به چشم می‌خورد (اشمیت^۲، ۱۳۸۳: ۵۸۱-۵۸۴). به طور کلی زبان‌های ایرانی از نظر تحول تاریخی به سه دوره باستان، میانه و نو تقسیم می‌شوند. اما در مورد بلوچی، فقط از دوره نو آن اطلاع در دست است و از دوره‌های باستان و میانه آن تاکنون چیزی به دست نیامده است. با مطالعات تاریخی و تطبیقی و کمک‌گرفتن از زبان‌های خویشاوند زبان بلوچی، مانند فارسی باستان، اوستایی، فارسی میانه، پارتی میانه، فارسی نو، که از دوران گذشته آن‌ها اسنادی در اختیار است، می‌توان به مطالعه تاریخی زبان بلوچی پرداخت (محمودزهی، ۱۳۹۳: ۱۷۵).

زبان‌ها از نظر آوایی، صرفی، نحوی، معنایی، و کاربرد زبانی با یکدیگر مطابقت دارند که وجوه تشابه و تمایز آن‌ها در تحلیل و بررسی این مطابقت‌ها قابل ملاحظه است. در زبان بلوچی امروز، به ویژه در بلوچی درون مرزهای ایرانی که یکی از گویش‌های غربی زبان بلوچی به شمار می‌آید، اشتراکات نسبتاً زیادی در حوزه آوایی، واجی، صرفی و گاهی نحوی با گونه‌های بلوچی پراکنده در سایر نقاط کشور به چشم می‌خورد. پژوهش حاضر قصد دارد به تحلیل و بررسی زبان‌گونه بلوچی رایج در شهرستان ریگان بپردازد تا از این رهگذر تحول زبان بلوچی مرزی را بررسی کند.

شهرستان ریگان در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است که از شمال به شهرستان فهرج و نرماشیر، از شرق به استان سیستان و بلوچستان، از جنوب به شهرستان رودبار جنوب و از غرب به شهرستان‌های عنبرآباد و بم محدود می‌شود (سال‌نامه آماری استان کرمان، ۱۳۹۵: ۵۲). گویشوران ساکن در شهرستان ریگان علاوه بر فارسی که گویش مسلط منطقه است، به زبان بلوچی نیز تکلم می‌کنند. بنا به ادعای آزادمنش (۱۳۸۴: ۸) اولین ساکنان این شهرستان زرتشتی‌ها بودند که اجداد آن‌ها از افغانستان و نواحی اطراف هیرمند وارد سیستان شده و در منطقه‌ای به نام هودیان^۳ زندگی می‌کردند و سپس وارد ریگان شده‌اند. همجواری با مردم بم سبب شد تا گونه متفاوتی از زبان بلوچی در شهرستان ریگان رواج پیدا کند. این تفاوت‌ها در سطح آوایی، واژگانی و نحوی

^۱ J. Elfenbien

^۲ R. Schmitt

^۳ هودیان منطقه‌ای است سردسیر در شمال جلگه دلکان از توابع شهرستان ایران‌شهر.

مشاهده می‌شود. تنوع گویشی و لهجه‌ای شهرستان ریگان و فراهم نمودن زمینه‌های پژوهشی بیش‌تر، از مهم‌ترین انگیزه‌های انتخاب گونه بلوچی ریگان است.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعه بر روی زبان بلوچی از قرن ۱۹ میلادی با حضور انگلیس‌ها در هند و علاقه آن‌ها به زبان‌های رایج در قلمروشان آغاز شد و اولین آثار مکتوب در شناخت این زبان به صورت کتابچه‌هایی در زمینه نکات دستوری، متون و واژه‌نامه‌ها انتشار یافت. از اولین کسانی که به مطالعه علمی واج‌های زبان بلوچی پرداخت، می‌توان ویلهلم گایگر^۱ را نام برد که پس از انتشار مقاله‌ای در زمینه ریشه‌شناسی برخی از واژه‌های بلوچی (۱۸۹۰)، به بررسی واج‌شناسی تاریخی این زبان پرداخت. علاوه بر او می‌توان به تحقیقات اسپونر^۲ (۱۹۶۷) در زمینه زبان بلوچی رایج در ایران و نیز مقالات الفنباین^۳ (۱۹۸۹) اشاره کرد که زبان بلوچی را در چهار بخش آواشناسی، تاریخ زبان‌شناسی، صرف و نحو دسته‌بندی می‌کند.

جهانی^۴ (۲۰۱۰) نیز بازسازی نظام حالت در زبان بلوچی را توصیف می‌کند که در گویش‌های بلوچی ایران در حال وقوع است. به اعتقاد وی نظام حالت یکی از ویژگی‌های دستوری زبان بلوچی است که بیانگر شباهت آن به زبان‌های ایرانی دوره‌های گذشته‌تر است. کرن^۵ (۲۰۰۵) به مطالعه نظام‌های اسمی گویش‌های بلوچی می‌پردازد تا امکان ارائه یک نظام اسمی برای همه گویش‌های بلوچی را ارزیابی کند. اکاتی^۶ و همکاران (۲۰۰۹) نیز واج‌های زبان بلوچی را با واج‌های دوره‌های مختلف زبان‌های ایرانی مقایسه می‌کنند و در پژوهشی دیگر، اکاتی و همکاران (۲۰۱۰) به بررسی زایشی برخی از فرآیندهای واجی گویش سیستانی می‌پردازند.

در ایران نیز در زمینه زبان بلوچی و گویش‌های آن مطالعات متعددی صورت گرفته‌اند که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد. محمودزهی (۱۳۷۸) زبان بلوچی را با زبان‌های ایرانی باستان مقایسه می‌کند. آهنگر (۱۳۸۲) دستگاه واجی گویش سیستانی را بررسی و قاسم‌زاده (۱۳۹۰) واج‌های گویش بلوچی دلگان را مطالعه می‌کند. دبیرمقدم (۱۳۹۲) به رده‌شناسی بن‌های مضارع و ماضی فعل‌ها در زبان بلوچی می‌پردازد. خلیفه‌لو و دلارامی‌فر (۱۳۹۴) خوشه‌های دوهمخوانی آغازین گویش سیستانی را از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد مورد بررسی می‌دهند. آهنگر و همکاران (۱۳۹۵) به توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی - نارویی و میانکنگی سیستانی می‌پردازند.

¹ W. Geiger

² B. Spooner

³ J. Elfenein

⁴ C. Jahani

⁵ A. Korn

⁶ F. Okati

۳. چارچوب نظری پژوهش

اهمیت ثبت و ضبط داده‌های زبانی در یک گستره جغرافیایی، به گونه‌ای که بتوان با تجزیه و تحلیل آن‌ها به تبیین‌های زبان‌شناختی دست یافت، بر کمتر کسی پوشیده است. گویش‌شناسی مطالعه نظام‌مند گونه‌های زبانی به ویژه گویش‌های منطقه‌ای است. از اهداف اصلی پژوهش‌های گویش‌شناسی، جمع‌آوری ساختار دستوری و واژگانی هر گویش است و داده‌های گویشی می‌تواند گویش‌ها را از خطر نابودی حفظ کند (کریستال^۱، ۲۰۰۸، ۱۴۳). گویش‌شناسی به دنبال ارائه یک مبنای تجربی جهت بازشناسی تنوعات زبانی‌ای است که در یک منطقه خاص رخ می‌دهد. مطالعه و بررسی گویش‌ها دارای سابقه‌ای طولانی است و همگام با علم زبان‌شناسی دست‌خوش تغییرات و دگرگونی‌هایی بوده است.

متداول‌ترین روش‌های گویش‌شناسی جغرافیایی به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ روش‌های سنتی و روش‌های کمی. معروف‌ترین رویکردهای سنتی، رویکردهایی هستند که مربوط به مفهوم «خط همگویی» می‌باشند. خط همگویی خطی است که با توجه به ویژگی‌های زبانی شناسایی شده، یک نقشه جغرافیایی را به مناطق جداگانه تقسیم می‌کند. در این روش، خط مرزهای همگویی اهمیت بالایی دارند. در نقشه‌های گویشی، مرز میان گویش‌های مختلف با خطوطی موسوم به مرزهای همگویی نشان داده می‌شود (چمبرز^۲ و ترادگیل^۳، ۲۰۰۴: ۳۷). این مرزها، معمولاً با توجه به یک مشخصه (معمولاً واجی یا واژگانی) ترسیم می‌شوند و نشان‌دهنده آن هستند که بر حسب مشخصه یا مشخصه‌های مورد نظر، مردم یک سوی این مرزها به یک گونه و مردم سوی دیگر به گونه دیگری صحبت می‌کنند. در واقع، طبقه‌بندی تنوعات زبانی با آرایش خط همگویی، خوشه‌های خط همگویی^۴ (گوسنس^۵، ۱۹۶۹) یا خوشه‌های خط همگویی مرزبندی^۶ (استنکیویز^۷، ۱۹۵۷؛ گرید^۸، ۱۹۶۱؛ لافکیویی^۹، ۲۰۰۷) بر روی نقشه‌های جغرافیایی زبانی^{۱۰} نمایش داده می‌شود. اگرچه این روش اجازه واریسی حقایق بصری^{۱۱} را می‌دهد این بدان معنی است که از فواید نقشه خط مرز همگویی نشان‌دادن حقایق قابل اثبات می‌باشد اما

¹ D. Crystal

² J. K. Chambers

³ P. Trudgill

⁴ Clusters of isoglosses

⁵ J. Goossens

⁶ Clusters of demarcative isoglosses

⁷ E. Stankiewicz

⁸ P. Garde

⁹ M. Lafkioui

¹⁰ Geolinguistic

¹¹ Visualised facts

معایب متعددی نیز دارد؛ از جمله دشواری در پیدا کردن خوشه خط همگویی که بتواند به طور دقیق مناطق جغرافیای زبانی بررسی شده را تقسیم کند (کسلر^۱، ۱۹۹۵؛ چمبرز^۲ و ترادگیل^۳، ۲۰۰۴).

در مورد رویکرد کمی در گویش‌شناسی باید عنوان کرد، گویش‌شناسی جغرافیایی به دنبال ارائه یک مبنای تجربی جهت بازشناسی تنوعات زبانی است که در منطقه خاصی رخ می‌دهد. «معمولاً، ویژگی‌های گویش فردی^۴ - همچون واژگان و شیوه ادای آن‌ها، و ساختار جملات - ارتباط ضعیفی با منطقه جغرافیایی دارد. به عبارت دیگر، به ازای هر ویژگی زبانی خاصی که به یک منطقه گویشی اطلاق می‌شود، همیشه نقاطی در داخل این منطقه یافت می‌شوند که فاقد آن نمونه هستند؛ و بالعکس، آن نمونه در نقاطی خارج از این منطقه دیده می‌شود» (نربن^۵ و کرسچمار^۶، ۲۰۰۶: ۳). در واقع گویش‌شناسی با ابهامات و مشکلات بسیاری در تبیین رابطه بین صورت زبانی و منطقه زبانی مواجه بود تا اینکه سگوی^۷ (۱۹۷۳) بیان کرد اگرچه ویژگی‌های گویش فردی برای توصیف یک منطقه زبانی کافی نیست، اما مجموعه‌ای از این ویژگی‌ها می‌تواند به خوبی مناطق گویشی را بازنمایاند. نربن و همکاران (۲۰۰۳) اندازه‌گیری تفاوت‌های گویشی یعنی تفاوت‌های زبانی را که اساساً توزیع‌شان را جغرافیا معین می‌کند، تحت عنوان گویش‌سنجی معرفی کردند. به اعتقاد نربن و کرسچمار (۲۰۰۶) اولین دستاورد علمی برای مشخص کردن سطوح متراکم توسط سگوی (۱۹۷۳) صورت گرفت که پیشنهاد کرد به سادگی می‌توان شمار مشخصه‌های هم‌پوشی بین هر دو محل جمع‌آوری داده‌ها را محاسبه کرد. این روش می‌توانست به گنجینه اطلاعات در طرح‌های اطلس گویشی به کار گرفته شود که از طریق پرسش‌نامه با تعدا محدودی جواب جمع‌آوری می‌شد.

۳-۱. روش‌شناسی

پژوهش حاضر، مبتنی بر روش توصیفی - هم‌زمانی و پایگاه دادگان، میدانی است. به منظور گردآوری داده‌های زبانی، از گویشوران زن و مرد با میانگین سنی ۶۰ سال و متوسط سواد در حد آموزش ابتدایی مصاحبه به عمل آمد؛ این افراد در گستره مکانی پژوهش یعنی شهرستان ریگان زندگی می‌کردند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه‌ای است که اساس آن را پرسشنامه‌های «طرح ملی اطلس زبانی ایران» مورد استفاده طرح فرهنگ‌ساز و «فهرست واژگان پایه مورس سوادش^۸» تشکیل می‌دهد.

¹ B. Kessler

² J. K. Chambers

³ P. Trudgill

⁴ idiolect

⁵ J. Nerbonne

⁶ W. A. Kretschmar

⁷ J. Ségué

⁸ Swadesh

۴. تحلیل داده‌ها

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل و بررسی داده‌های پژوهش مشخص شد که گونه بلوچی رایج در شهرستان ریگان به دلیل کاربرد واژه‌های خاص زبان بلوچی، آواهای مرکب /Iə/ و /ʊə/، واج چندزنجی /R/، خوشه همخوانی /θr/ ایرانی باستان، وندهای ویژه از قبیل پسوند جمع‌ساز /-on/، پیشوند استمراری /-ʔæ/ و پسوندهای اسم‌ساز و صفت‌ساز (-æ/-æg/-æk)، فرآیند غیردهانی‌شدگی^۱ و ساخت ارگتیو^۲ متمایز از سایر گونه‌های زبانی حوزه پژوهش است. در ادامه با ذکر نمونه به تبیین هر یک از ویژگی‌های مذکور پرداخته می‌شود.

۴-۱. واژه‌های خاص زبان بلوچی

جهت تحلیل تنوع‌های واژگانی این گونه به علت محدودیت حجم مقاله حاضر تنها به ذکر چند نمونه از واژگان مربوط به مقوله واژگان خویشاوندی اکتفا می‌شود. واژه‌های خویشاوندی شامل پدر، مادر، خواهر، دختر، پسر، عروس، داماد و بچه هستند که در جدول (۱) قابل مشاهده‌اند.

جدول ۱.

واژگان مربوط به مقوله خویشاوندی

فارسی معیار	گونه زبانی ریگان
/pedær/	/pes/
/madær/	/mas/
/χahær/	/gohær/
/doxtær/	/dohtæj/
/pesær/	/posæj/
/ʔærus /	/neʃar/
/damad /	/ramas/
/bæççe/	/zæhg/

۴-۲. آواهای مرکب /Iə/ و /ʊə/

دستگاه آوایی فارسی باستان مشتمل بر سه واژه کوتاه /a/، /i/، /u/ سه واژه ساده بلند /ā/، /ī/، /ū/ دو واژه مرکب کوتاه /ai/، /au/ و دو واژه مرکب بلند /āi/، /āu/ بود که در گذر به فارسی میانه و سپس به فارسی دری، حذف و /ai/، /au/ نیز به ترتیب به /e/ (یای مجهول) و /o/ (واو مجهول) تبدیل شدند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۳-۱۸). در گونه بلوچی ریگانی همانند گونه‌های بلوچی مرزی علاوه بر سه واژه کوتاه /æ/، /e/، /o/ و سه واژه بلند /a/، /u/ و /i/ دو واژه مرکب /Iə/ و /ʊə/ نیز وجود دارد که به نظر بازمانده واژه‌های مرکب /ai/ و /au/ ایرانی باستان هستند. تحول واژه مرکب /ai/ و /au/ ایران باستان به ترتیب به /Iə/ و /ʊə/

¹ debuccalization

² Ergative

کمابیش در بسیاری از گویش‌های زبان بلوچی قابل‌مشاهده است (کرن، ۲۰۰۵: ۱۵۰-۱۵۱؛ گایگر، ۱۸۹۱: ۴۱۰؛ الفنباین، ۱۸۹۸: ۶۳۳؛ جهانی، ۱۸۹۸: ۸۰؛ محمودزهی، ۱۳۷۸: ۶۶). نمونه‌هایی از کاربرد واژه‌های مرکب مذکور در گونه بلوچی ریگان در جدول (۲) ذکر شده‌اند.

جدول ۲.

کاربرد واژه‌های مرکب /ʌə/ و /ʊə/ در گونه بلوچی ریگان

گونه زبانی ریگان	فارسی معیار
/mæʊəç/	/ʔemruz/
/mʊəric/	/murçe/
/rʊəç/	/χorʃid/
/diəst/	/devist/
/giəsy/	/gorixt/
/diəm/	/gune/

۴-۳. واج چندزنجی /R/

یکی از ویژگی‌های متمایز گونه بلوچی ریگان با گونه‌های زبان بلوچی مرزی مربوط به کاربرد واج چندزنجی^۱ /R/ است. رستمی ابوسعیدی (۱۳۸۲: ۱۰۹) نیز حین مقایسه برخی از جنبه‌های آوایی و دستوری گویش بشاکردی از جمله رودباری با فارسی معیار، از طریق ارائه جفت‌های کمینه به تمایز معنایی کاربردهای دو نوع واج /r/ در این گویش اشاره می‌کند. وی یکی را «ر» فارسی با نشانه آوایی [r] و دیگری را با نشانه آوایی [R]، پُرزنشی نامیده است. زارعی‌پور (۱۳۹۳: ۲۴۶) نیز با ارائه جفت‌های کمینه از قبیل [par] «سال گذشته» و [paR] «ریشه» بر این ادعا صحت گذاشته است. در بررسی نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این گونه زبانی مشخص شد که کاربرد واج چندزنجی یا پُرزنشی /R/ در گونه بلوچی ریگان همانند گونه‌های رودباری رایج است. در واقع می‌توان گفت گونه بلوچی ریگان تحت تاثیر موقعیت جغرافیایی و مجاورت با شهرستان رودبار جنوب دچار تحول زبانی شده و این ویژگی چندزنجی را از گویش رودباری گرفته است. در ادامه چند مورد از کاربرد واج چندزنجی در جدول (۳) ارائه می‌گردد.

جدول ۳.

واج تک‌زنجی /r/ و چندزنجی /R/ در گونه بلوچی ریگان در مقایسه با فارسی معیار

گونه بلوچی ریگان	فارسی معیار	گونه بلوچی ریگان	فارسی معیار
/poR/	/por/	/por/	/xakestær/
/soR/	/ləb/	/sor/	/sor/

^۱ trill

۴-۴. خوشه همخوانی /θr/

یکی دیگر از ویژگی‌های گونه بلوچی ریگان، کاربرد خوشه همخوانی /θr/ است. بنا به اعتقاد ابوالقاسمی (۱۳۸۶: ۳۲۶-۳۲۷) خوشه همخوانی /θr/ ایرانی باستان عمدتاً در فارسی میانه به /t/ در پارتی به /hr/ و در فارسی میانه و فارسی نو به /s/ تبدیل می‌شود. ابدال واج /θr/ ایرانی باستان به /s/ یکی از ویژگی‌های مشخصه زبان‌های ایرانی جنوب غربی است و بسیاری از گویش‌های زبان بلوچی که از زبان‌های ایرانی شمال غربی محسوب می‌شوند، این ویژگی را در خود حفظ کرده‌اند (کرن، ۲۰۰۵: ۸۹ و ۸۶؛ گایگر، ۱۸۹۱: ۴۱۵ و ۴۳۰؛ محمودزهی، ۱۳۷۸: ۸۴). این ویژگی علاوه بر گویش بمپوری، دلگانی و لاشاری، در گویش رودباری نیز قابل مشاهده است (قاسم‌زاده، ۱۳۹۰: ۵۱؛ مطلبی، ۱۳۸۵: ۴). گونه بلوچی ریگان نیز همانند گونه‌های زبان بلوچی مرزی خوشه همخوانی /θr/ را به کار می‌برد اگرچه کاربرد این خوشه همخوانی در گونه بلوچی ریگان بسامد بسیار پایینی دارد و نقش و کاربرد آن در بعضی موارد تغییر کرده است، اما حضور هرچند اندک داده‌هایی که حاوی این ویژگی هستند نیز خود از جنبه تاریخی نکته‌حائز اهمیتی محسوب می‌شود. جدول (۴) نمونه‌ای از تحول خوشه همخوانی /θr/ را در گونه بلوچی ریگان نشان می‌دهد.

جدول ۴.

کاربرد خوشه همخوانی /θr/ ایران باستان به همخوان /s/ در گونه بلوچی ریگان

گونه بلوچی ریگان	فارسی نو	فارسی میانه	پارتی	فارسی باستان	اوستایی	ایرانی باستان
/possæj/	pesar	pus	puhr	puçæ	puθræ	*puθræ
/apost/	abestæn	abustæn	abus	-----	æ-puθra	*a-puçæ-tænu

۴-۵. پسوند جمع ساز /-on/

نخستین وند قابل توجه در بررسی داده‌های گونه بلوچی ریگان مربوط به پسوند جمع ساز است. به اعتقاد کروگر^۱ (۲۰۰۵: ۱۴۱) همه جوامع زبانی برای بیان مفهوم شمار از روش‌های مختلفی بهره می‌جویند. در گونه بلوچی ریگان جهت جمع بستن اسامی همانند گونه‌های زبان بلوچی مرزی و رودباری از نشانه جمع /-on/ استفاده می‌شود. در گویش رودباری نیز نشانه /-on/ به آخر اسم مفرد افزوده می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۵: ۶۷). علاوه بر این، در گویش‌های زبان بلوچی نیز نشانه جمع /-on/ کاربرد دارد (محمودزهی، ۱۳۷۸: ۴۲). در جدول (۵) به نمونه‌هایی از کاربرد این مقوله ساختوازی پرداخته می‌شود.

¹ P. R. Kroeger

جدول ۵.

کاربرد نشانه جمع در گونه بلوچی ریگان

گونه بلوچی ریگان	فارسی معیار
/bæziməwqefion/	/bæʔzivæɡtha/
/bæziceson/	/bæʔziʔadæmha/
/tagon/	/bærgħa/
/daron/	/hizomha/

۴-۶. پیشوند استمراری /ʔæ-/

از دیگر وندهای تصریفی منحصر به فرد گونه بلوچی ریگان، پیشوند استمراری /ʔæ-/ است که در ساخت‌های مضارع اخباری، ماضی استمراری و ماضی نقلی به جای پیشوند /mi-/ فارسی معیار کاربرد دارد. در گویش رودباری نیز از پیشوند استمراری /ʔæ-/ استفاده می‌شود (مطلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۷). در زبان بلوچی بنا به گفته محمودزهی (۱۳۷۸: ۶۲) از پسوند /æɡ-/ جهت نمود استمرار استفاده می‌شود. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل پیکره داده‌های پژوهش می‌توان ادعا کرد که گونه بلوچی ریگان در اثر مجاورت با گویش رودباری تحت تاثیر این گویش از پیشوند /ʔæ-/ بجای پسوند /æɡ-/ جهت نمود استمرار بهره می‌برد. چند نمونه از کاربرد این پیشوند در جدول (۶) نمایش داده شده است.

جدول ۶.

کاربرد نشانه استمراری در گونه بلوچی ریگان

گونه بلوچی ریگان	فارسی معیار
/ʔæɡuħæm/	/miguħæm/
/ʔæbehi/	/miʃævi/
/ʔæħfetom/	/migozqftæm/
/ʔæneʃtohom /	/mineʃæsteʔm/

۴-۷. پسوندهای اشتقاقی /-æ/ و /-æʃ/

نتایج تحلیل داده‌ها همچنین نشان می‌دهد که پسوندهای اشتقاقی /-æʃ/ و /-æ/ در گونه بلوچی ریگان همانند گونه‌های زبان بلوچی مرزی یافت می‌شود. ابوالقاسمی (۱۳۸۶: ۳۲۶-۳۲۷) در این زمینه عقیده دارد که پسوند (-ak/- ag) در فارسی میانه و در فارسی باستان (-aka) به ماده مضارع بعضی فعل‌ها افزوده می‌شود و از آن صفت فاعلی می‌سازد. در زبان بلوچی پسوند اشتقاقی /-æʃ/ به برخی از افعال و اسامی اضافه می‌شود و از آن‌ها اسم یا صفت می‌سازد. براساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که این پسوند در گونه بلوچی ریگان همچنان زایا و فعال است. در ادامه چند نمونه از کاربرد این پسوند در جدول (۷) ارائه می‌شود.

جدول ۷.

کاربرد پسوند /æg/ - (æj) و /æ/ در گونه بلوچی ریگان

فارسی معیار	گونه بلوچی ریگان
/tefne/	/tohnæj/
/χane/	/χonæ/
/juje/	/jujæ/
/naf/	/nafæj/
/doxtær/	/dohtæj/
/pesær/	/posæj/

۴-۸. فرآیند غیردهانی‌شدگی

در بررسی داده‌های گونه بلوچی ریگان فرآیند غیردهانی‌شدگی یا کاهش به یک همخوان چاکنایی مشاهده شد. غیردهانی‌شدگی اغلب به عنوان فقدان جایگاه تولید تعریف می‌شود؛ به عبارت دیگر، برخی از همخوان‌ها دارای هیچ گونه بست یا گرفتگی در دستگاه گفتار نیستند در نتیجه آوای حاصل یک همخوان حنجره‌ای ([h] و [ʔ]) است (أبرین^۱، ۲۰۱۰: ۲). در بسیاری از گویش‌های زبان بلوچی همخوان‌های سایشی به [h] تبدیل می‌شوند (محمودزهی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۷: ۱۴۶). می‌توان گفت گونه بلوچی ریگان نیز همانند گونه‌های بلوچی مرزی این ویژگی را در خود حفظ کرده است. ابدال همخوان‌های سایشی به حنجره‌ای در گویش رودباری نیز قابل ملاحظه است (مطلبی، ۱۳۸۵: ۴۸). در ادامه چند نمونه از این فرآیند در جدول (۸) ذکر می‌شود.

جدول ۸.

نمونه‌هایی از فرآیند غیردهانی‌شدگی

فارسی معیار	گونه بلوچی ریگان
/naχon/	/nahon/
/doxtær/	/dohtæg/
/kuçæc/	/gohæng/
/loxt/	/loht/
/tefne/	/tohnæg/
/ʔærræ/	/hærræg/

۴-۹. ساخت ارگتیو

نتایج حاصل از تحلیل داده‌های زبانی گونه بلوچی ریگان نشان می‌دهد که در حوزه نحو این گونه زبانی همانند گویش رودباری و زبان بلوچی مرزی ساخت ارگتیو وجود دارد. در این گونه، عامل به صورت ضمیر شخصی متصل آمده و جزء اصلی محسوب می‌شود. در ادامه چند مورد از این جملات در جدول (۹) به صورت کوتاه ارائه می‌شود.

¹ J. O'Brein

جدول ۹.

ساخت /رگتیو در گونه بلوچی

/ʔæbordet/	می‌بردی	اتصال ضمیر متصل به ماده فعل:
/to-t di/	تو دیدی	اتصال ضمیر متصل به فاعل
/ʔɑji-ʃon foroəh/	آن‌ها را فروختند	اتصال ضمیر متصل به مفعول
/Se goja-t jaworde/	از کجا آوردی؟	اتصال ضمیر متصل به ضمیر پرسشی

۵. نتیجه‌گیری

شهرستان ریگان از نظر زبانی دارای تنوعات زیادی است زیرا برخی از ویژگی‌های زبان بلوچی مرزی، فارسی و گویش رودباری در این گونه زبانی قابل مشاهده است. پژوهش حاضر متغیرهای زبان‌شناختی موجود در گونه بلوچی رایج در شهرستان ریگان را تحلیل کرد. نتایج حاکی از آن است که گونه بلوچی ریگان در ویژگی‌هایی از قبیل کثرت واژه‌های خاص زبان بلوچی، آواهای مرکب /lɔ/ و /ʊə/، خوشه همخوانی /θr/ ایرانی باستان، پسوند جمع ساز /-on/، پسوندهای اسم‌ساز و صفت‌ساز (-æ/-æg/-æk)، فرآیند غیردهانی‌شدگی و استفاده از ساخت ارگتیو را همچون گونه‌های زبان بلوچی مرزی در خود حفظ کرده است اما در کاربرد واج چندزندی و نمود استمراری تحت تأثیر مجاورت با گویش رودباری قرار گرفته و دچار تحول شده است.

منابع

- آزادمنش، علی (۱۳۸۴). بررسی و تحلیل گویش ریگان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. کرمان: دانشگاه باهنر.
- آهنگر، عباسعلی (۱۳۸۲). توصیف دستگاه واجی گویش سیستانی. مجله گویش‌شناسی. ضمیمه نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۶ (۱)، صص. ۴-۳۲.
- آهنگر، عباسعلی، پاکراد یوسفیان و حسنعلی کدخدا (۱۳۹۵). توزیع جغرافیایی تنوعات واکه‌ای گویش سیستانی در دو بخش شهرکی- نارویی و میانکنگی. زبان‌شناسی اجتماعی، ۱۱ (۱)، صص. ۲۲-۴۰.
- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۶). تاریخ زبان فارسی. تهران، سمت.
- اشمیت، رودریگر، ۱۳۸۳، راهنمای زبان‌های ایرانی، ترجمه زیر نظر حسن رضایی باغ‌بیدی. تهران: ققنوس.
- خلیفه لو، سیدفرید و منصوره دلارامی فر، ۱۳۹۴، خوشه دو همخوانی آغازی در گویش سیستانی از دیدگاه واج‌شناسی خودواحد. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۲ (۸)، ۶۲-۳۹.
- دبیرمقدم، محمد، ۱۳۹۲، رده‌شناسی زبان‌های ایرانی. تهران: سمت.
- رستمی ابوسعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۲) وجه تمایز گویش بشاکردی و فارسی در برخی جنبه‌های آوایی و دستوری. نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه شهید باهنر کرمان. ۱۳ (۱۰)، صص. ۱۰۵-۱۲۲.
- زارعی‌پور، پروانه (۱۳۹۳). بررسی ر- آواهای گویش مینابی. پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۴ (۷)، صص. ۲۴۵-۲۶۲.
- سالنامه آماری استان کرمان (۱۳۹۵-۱۳۹۶). سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان کرمان. سازمان برنامه‌و بودجه کشور، مرکز اسناد، مدارک و انتشارات.
- قاسم‌زاده، بهجت (۱۳۹۷). بررسی واج‌شناسی تاریخی و ساخت ارگتیو فعل در چند گویش بلوچی. رساله دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- قاسم‌زاده، بهجت (۱۳۹۰). بررسی زبان‌شناسانه گویش بلوچی دلکان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان‌های باستانی. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- محمودزهی، موسی (۱۳۷۸). مقایسه زبان بلوچی با زبان‌های ایرانی باستان. پایان‌نامه دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی. تهران: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات.
- محمودزهی، موسی (۱۳۹۳). نمونه‌ای از پیشین‌شدگی واکه‌ای در مطالعات تاریخی زبان بلوچی. *مجله زبان‌شناخت*. ۵ (۱)، صص. ۱۷۴-۱۸۸.
- مطلبی، محمد (۱۳۹۳). بررسی زبان‌شناختی گویش رودباری کرمان. *نشریه ادب و زبان دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان*. ۱۷ (۳۶)، صص. ۲۶۹-۳۰۵.
- مطلبی، محمد (۱۳۸۵). بررسی گویش رودباری کرمان. رساله دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Chambers, J. K. & P. Trudgill (2004) *Dialectology*. 2nd ed. Cambridge: Cambridge University Press
- Crystal, D. (2008). *A dictionary of linguistics and phonetics*. 6th Ed. Oxford: Blackwell.
- Elfenbien, J. (1989). Baluchi, in: *compendium linguarum Iranicarum*, Wiesbaden, pp.350-362.
- Geiger, W. (1891). Etymologie des Balūči. In: *Abhandlungen der 1. Classe der Königlich Bayerischen Akademie der Wissenschaften* 19/1, pp. 105- 153.
- Goossens, J. (1969). *Strukturelle Sprachgeographie. Eine Einführung in Methodik und Ergebnisse*. – Heidelberg.
- Jahani, C. (1989). *Standardization and orthography in the Balochi language*. Uppsala.
- Jahani, C. & A. Korn (2009). "Balochi" Windfuhr, Gernot (ed.), *The Iranian Languages*. (pp. 634-692). London and New York: Routledge.
- Kessler, B. (1995). Computational dialectology in Irish Gaelic. (pp. 60-66) In *Proceedings of 7th Conference of the European Chater of the Association for Computational Linguistics (EACL 7)*, Dublin.
- Korn, A. (2005). *Towards a historical grammer of Balochi*, Wiesbaden. Ludwig Reichert Verlag, 2005. (Beiträge zur Iranistik, Band 26)
- Kroeger, P. R. (2005). *Analyzing grammar*. Cambridge: Cambridge university press.
- Nerbonne, J., & W. Heeringa, P. Kleiweg (2003). "Lexical distance in LAMSAS". *Computers and the Humanities*. 37 (4). 339-357.
- Nerbonne, J., & Kretzschmar, W. (2006). Progress in dialectometry: toward explanation. *Literary and Linguistic Computing*, 21(4), 387-397.
- O'Brien, J. (2010). Debuccalization and supplementary gestures, Available at <http://roa.rutgers.edu>.
- Okati, F., A. A. Ahangar & C. Jahani. (2009). The Status of h and ? in the Sistani Dialect of Miyankangi. *Iranian journal of applied language study*, 1(1), pp. 80-90.
- Okati, F., A. A. Ahangar, E. Anonby & C. Jahani. (2010). Natural phonological processes in Sistani dialect of Iran. *Iranian Journal of applied language studies*, 2 (1), p. 103.
- Séguy, J. (1973). *La Dialectométrie Dans l'Atlas Linguistique de la Gascogne*. Société de linguistique romane.

- Spooner, B. (1967) *Notes on the Baluchi spoken in Persian Bluchistan*, Iran 5, pp. 51-71.
- Stankiewicz, E. (1957). On discreteness and continuity in structural dialectology, *Word*, 13: 44-59.
- Garde, P. (1961). Réflexions sur les différences phonétiques entre les langues slaves, *Word*, XVII : 34-62.
- Lafkioui, M. (2007). Atlas linguistique des variétés berbères du Rif, Köln, Rüdiger Köppe Verlag (in Berber Studies, volume 16), 2007, 291 p. (format « A3 », in color, 356 maps + 47 tables).

